

بررسی تحقق قتل در قوانین کیفری ایران و تطبیق آن با قانون فرانسه

کیان مولانی*^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده

با جستجو در قوانین کیفری ایران، نمی‌توان به تعریف خاصی از قتل دست یافت، به عبارت دیگر تعریفی از بزه قتل در حقوق ایران وجود ندارد و فقط در قالب چهار بند در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است، اما در قوانین کیفری فرانسه، قتل تحت عنوان سلب عمدی و ناعادلانه حیات یک انسان توسط انسان دیگر تعریف شده است. در قرآن کریم مباحث مربوط به قتل به صورت گسترده مطرح شده و آیات زیادی را به خود اختصاص داده است، در آیه ۱۷۸ سوره بقره احکام آن بیان شده و حق قصاص یا عفو و پرداخت دیه را برای اولیای دم محفوظ داشته است. همچنین حضرت امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله به تشریح مبحث قتل پرداخته‌اند. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع، هدف از انجام این پژوهش بررسی تحقق قتل در قوانین کیفری ایران و تطبیق آن با قانون فرانسه بود. رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی به صورت تحلیل محتوا و از نظر ماهیت کاربردی است و روش انجام آن، از نوع کتابخانه‌ای-اسنادی است. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن بود که از مجازات‌های تعیین شده در ایران و تناسب آن با نوع جرم، می‌توان به عنوان نقطه قوت و برتری قوانین ایران در مقایسه با فرانسه نام برد؛ بنابراین بیشترین تفاوت قوانین دو کشور در انواع مختلف قتل و مجازات‌های تعیین شده برای آن می‌باشد.

واژگان کلیدی

قتل، عناصر تشکیل دهنده، حقوق کیفری، بررسی تطبیقی

^۱ کارشناس ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران. (نویسنده مسئول: kianmolani@yahoo.com)

مقدمه

واژه‌ی قتل در لغت به معنی ازاله‌ی روح از بدن و از بین رفتن زندگی است و در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که ادامه‌ی زندگی و حیات را از انسان گرفته و به مرگ شخص منجر شود.

در قرآن کریم مباحث مربوط به قتل به صورت گسترده مطرح شده و آیات زیادی را به خود اختصاص داده است، این واژه معانی و مفاهیم مختلفی را در بر گرفته و مباحث مختلفی را همچون کشته شدن در راه خدا (شهادت)، جنایت و آدم‌کشی، پاک‌سازی زمین از فساد با کشتن انسان‌های فاسد، نهی از خودکشی و فرزندکشی و... را در خود جای داده است. قرآن کریم کشتن انسان را از دو بعد عمدی و غیر عمدی مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام احکام مخصوصی را وضع نموده است.

قتل عمد

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در تعریف قتل عمد محض می‌نویسد: عمد محض، به قصد کشتن با آنچه که می‌گردد ولو به ندرت؛ و به قصد فعلی که غالباً با آن کشته می‌شود، اگرچه قصد قتل را به آن ننماید، تحقق پیدا می‌کند و اگر شخصی را با تیر یا گلوله بزند پس بمیرد این عمد است و قود بر او می‌باشد ولو اینکه قتل را به وسیله آن قصد ننماید و همچنین است اگر طنابی را به گردن او بیچد و از او باز نکند تا بمیرد، یا او را در آب و مانند آن فرو ببرد و مانع خروج او بشود تا بمیرد، یا سر او را در ظرف نوره قرار دهد تا بمیرد و غیر این از اسبابی که جانی در ایجاد سبب تلف کننده منفرد است که این‌ها از عمد می‌باشد و عمد گاهی با مباشرت است مانند ذبح و خفه نمودن به وسیله دست و زدن با شمشیر و کارد و سنگ تیز و جرح در مقتل و مانند آن‌ها از آنچه که به فعل مباشری او عرفاً صادر می‌شود، پس در آن قود (قصاص) است و گاهی به نحوی از تسبیب است پس منظور از مباشرت، اعم است از اینکه فعل از او بدون وسیله‌ای صادر شود، مانند خفه نمودن او با دستش یا زدن او با دست یا با پایش، پس به واسطه آن کشته شود، یا اینکه با وسیله‌ای باشد؛ مانند تیر زدن به او یا ذبح کردن او با چاقو، یا اینکه قتل بدون تاویلی عرفاً منتسب به او باشد؛ مانند انداختن او در آتش یا غرق نمودن او در دریا یا انداختن او از بلندی و غیر این‌ها از وسایطی که با آن‌ها صدق می‌کند که قتل منتسب به او باشد. (تحریرالوسیله، ۱۳۹۹).

یکی از جاهایی که خداوند کشتن انسان را جایز شمرده، هنگامی است که فرد مرتکب قتل عمد شده باشد، در این صورت برای ولی دم مقتول، اختیاری وجود دارد که بر اساس آن می‌تواند قاتل را به قتل رساند، یا از او دیه بگیرد (فضل الله، ۱۴۱۹ق).

در آیه ۱۷۸ سوره بقره آمده است: «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ فِی الْقَتْلِ الْحَرِّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ...» ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن،... در این آیه به رعایت عدالت در امر قتل اشاره شده و شرط قصاص برای اولیاء مقتول را فقط منحصر به خود قاتل دانسته است، حال آنکه قاتل مرد یا زن، مسلمان یا کافر، مولی یا بنده باشد، در پیشگاه خدا و برای اولیاء دم هیچ فرقی نمی‌کند و باید فقط خود او قصاص شود (راوندی و هبه‌الله، ۱۴۰۵ق). البته بر اساس رحمت و مغفرت پروردگار، استثنایی در آیه بیان شده که صاحبان قصاص می‌توانند قاتل را عفو کنند به شرط اینکه قاتل نیز باید نسبت به پرداخت خونبها اقدام نموده و بدون آزار دادن اولیای دم، آن را تقدیم آنها کند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق).

قتل غیر عمد

وقتی کسی اشتباها و به طور اتفاقی، توسط شخص دیگری به قتل برسد، به آن قتل غیر عمد گفته می‌شود. این درحالی است که قاتل در عمل خود نیز قصد ضربه زدن به مقتول را نداشته و از بین رفتن مقتول کاملاً تصادفی صورت گرفته است (مغنیه، ۱۴۲۴ق).

قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره نساء میفرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا...» هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند (و در عین حال) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبایی به کسان او پردازد مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند... این آیه جرمه و کفاره‌ی قتل غیر عمدی را در سه صورت متفاوت بیان می‌کند: ۱. در صورتی که فرد بی‌گناهی از روی خطا فرد مؤمنی را بکشد، باید در برابر آن برده‌ی مسلمانی را آزاد کند؛ یعنی همان‌طور که انسانی را از قید حیات خارج نموده و میرانده است، به جای آن با آزاد کردن انسانی از بردگی، به او زندگی دوباره ببخشد، همچنین باید خونبهای مقتول را به صاحبان او پردازد؛ مگر اینکه خانواده‌ی مقتول او را عفو کنند و دیه را ببخشند (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق). ۲. مؤمنی که به قتل رسیده، اگر وابسته به خاندانی باشد که با مسلمانان دشمنی دارند، کفاره‌ی قاتل فقط آزاد نمودن برده است و پرداخت دیه به جمعیتی که دشمن مسلمانان هستند لازم نیست (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق). ۳. چنانچه خاندان مقتول مؤمن از هم‌پیمانان با مسلمانان باشند، هم دیه و هم آزاد کردن بنده لازم است (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴ق). در این صورت برای احترام به پیمانهای بسته شده و نیز برای رفع اتهام مسلمانان از پیمان‌شکنی باید در ابتدا دیه و خونبها پرداخت شود؛ سپس یک بنده‌ی مؤمن آزاد گردد. البته در ادامه‌ی آیه برای کسانی که توان پرداخت خونبها و آزاد کردن بنده را ندارند، دستور گرفتن دو ماه روزه پی‌درپی به عنوان تخفیف بیان شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش).

روش‌شناسی پژوهش

روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی بود که روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی صورت گرفت.

قتل در حقوق کیفری ایران و فرانسه

در حقوق فرانسه تعریفی که از قتل عمد ارائه شده است عبارت است از سلب عمدی و ناعادلانه حیات یک انسان توسط انسان دیگری اما در حقوق ایران در چهار مصداق به قتل عمدی اشاره شده است اما تعریفی وجود ندارد که مطابق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی این مصداق عبارت است از: ۱. هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. ۲. هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. ۳. هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده‌است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت

خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. ۴. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

آن چیزی که از لحاظ فقهی قتل عمدی محسوب می شود اذهاق نفس معصومه مکافئه قتل است، یعنی از بین بردن نفس دیگری به صورت عمدی که محقون الدم و برابر است قتل می باشد همچنین باید هم در ارتکاب عمل عمد وجود داشته باشد هم خواهان نتیجه باشد. در بند یک ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی این تعریف وجود دارد که هم قصد فعل و هم قصد نتیجه وجود دارد (هرکس که قصد کشتن یک فرد معین یا افراد نامعین از یک جمع را داشته باشد) اما در بندهای دیگر فعل نوعا کشنده با توجه به شرایط مرتکب و قصد ضمنی مرتکب در بند چهار همان ماده احراز می شود (قصد کشتن احراز می شود اما قصد نتیجه مهم نیست که چه کسی کشته شود).

در قتل عمدی جنایت نظیر وجود ندارد زیرا نتیجه مرگ است اما در سایر جنایات (انواع جنایات مادون نفس) می تواند جنایت نظیر تحقق یابد. با توجه به ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی جنایت تقسیم می شود به عمد، شبه عمد و خطای محض و بیان می دارد که جنایت نفس و جنایت اعضا، عنصر قانونی این جنایات هستند. در بحث جنایتهایی که مادون نفس هستند می توان جنایت نظیر تحقق یابد اما در مورد جنایت نفس نمی توان جنایت نظیر داشت.

در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران باید فرد سوءنیت خاص یعنی قصد کشتن شخص خاصی را داشته باشد، بنابراین در قانون ایران هر جا فعل نوعا کشنده باشد یا نسبت به مجنی علیه خاص کشنده باشد، قتل عمدی خواهد بود. در قانون قدیم از عبارت های در حکم شبه عمد و در حکم خطای محض و... استفاده می شد که تفاوت هایی میان آنها قائل بود اما واقعیت این است که جنایت بند ۲ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قصد فعل ندارد اما جنایت نوعا کشنده است، در واقع جنایت عمدی نیست چون با تعریف خود همخوانی ندارد و عملی را انجام می دهد که قصد کشتن در آن وجود ندارد و جنایت شبه عمدی است چرا که در این نوع جنایت، در فعل ارتكابی عامد است اما نتیجه را نمی خواهد.

در ارتباط با فعل نوعا کشنده قانون قبل از انقلاب و قانون راجع به مجازات اسلامی معتقد بود فعلی که باعث مرگ دیگری می شود به صورت نوعی یکی از شانه ها و قرینه ها می تواند آلت قتاله باشد یعنی اگر کسی از وسیله کشنده استفاده کند می تواند قرینه به قتل عمدی باشد در حالی که صرف استفاده از وسیله کشنده لزوما نشان دهنده قتل عمد نخواهد بود چرا که فرض کنید کسی با اسلحه به یک نفر تیراندازی کند و به قوزک پای او برخورد کند و باعث مرگ نشود بنابراین آلت موضوعیت ندارد. در فعل نوعا کشنده قانونگذار معیارهایی برای آن قائل است که در تبصره به آن اشاره شده است، بنابراین در فعل نوعا کشنده آلت قتاله موضوعیت ندارد و قانونگذار به آسیب پذیر بودن موضوع حساس به نوعی که غالبا شناخته شده باشد اشاره می کند.

در حقوق فرانسه برای اینکه فعل، قتل عمدی باشد لازم است که بزه دیده زنده بوده باشد و عنوان می کند که اگر جنایت نسبت به فردی اتفاق بیفتد که زنده نیست، شروع به قتل عمد خواهد بود. به عنوان مثال در رای صادره از دیوان عالی کشور فرانسه آمده است که اگر فردی به بزه دیده ای شلیک کند که قبلا توسط فرد دیگری مورد اصابت قرار گرفته است و این فرد در حال دویدن باشد ولی به دلیل شتاب ناشی از دویدن، از دویدن باز نایستاده باشد، این امر قرینه زنده بودن بزه دیده نیست و عمل ارتكابی شروع به قتل عمدی است. در رای دیگری آمده است که اگر شخص با میله آهنین توسط دیگری از پای درآمده باشد و شخص دیگری فردی آن روز ضرباتی با او وارد کند، عمل ارتكابی قتل عمد نخواهد بود و

این عمل مصداق شروع به قتل است. در قانون ایران زنده بودن از شرایط و احوال جنایت محسوب می‌شود و اگر زنده نباشد جنایت بر میت است زیرا به دلیل حالت خطرناک استدلال می‌کند که این افراد صرف نظر از زنده نبودن بزه‌دیده، حالت خطرناک خود را نشان داده‌اند، بنابراین این عمل باید قابل مجازات باشد.

عنصر مادی قتل در حقوق فرانسه:

قتل عمدی در قانون فرانسه عبارت است از سلب عمدی و ناعادلانه حیات یک انسان توسط دیگری. لازمه قتل عمدی در قانون فرانسه این است که بزه‌دیده باید زنده بوده باشد؛ پس اگر اقدام به قتل نسبت به کسی صورت گیرد که شرایط حیات نداشته باشد و زنده نبوده باشد، شروع به قتل خواهد بود (برخلاف قانون ایران). باتوجه به آرای صادره از دیوان عالی فرانسه: ۱. حالتی که اگر فردی با میله آهنی توسط یک نفر از پای درآمده باشد و فردای آن روز، شخص دیگری به قصد جان بخواهد اقدامی نسبت به او انجام دهد، شروع به قتل عمدی خواهد بود. ۲. در رای دیگر اینگونه مطرح میشود که شبیه به مواد قانونی ایران است: اگر کسی که در حال دویدن است و به او تیراندازی شده و با آن شتاب ناشی از دویدن به سرعت خود ادامه دهد و دیگری اقدامی نسبت به او انجام دهد باز هم شروع به قتل عمدی خواهد بود. در قانون ایران در این خصوص دو ماده وجود دارد: ماده ۳۷۱ قانون مجازات اسلامی: اگر کسی ضرباتی به یک نفر وارد کند و دومی به حیات او پایان دهد، قاتل نفر دوم است. ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی: اگر کسی که در حکم مرده است و حیات غیر مستقر دارد، دیگری به حیات او پایان دهد، اولی قاتل است. این دو ماده شبیه به دو رای صادره از دیوان عالی فرانسه است. دو ماده، متفاوت از هم هستند. در قانون فرانسه یک حکم برای آن صادر شده است اما در قانون ایران دو حکم متفاوت دارد. بیان میکند که اگر کسی آخرین رمق در او باقی مانده باشد و دیگری بخواهد به حیات او پایان دهد که به حیات غیر مستقر اشاره دارد، قاتل همان نفر اول است و دومی فقط دیه جنایت بر میت می‌پردازد. این ماده از این جهت مهم می‌باشد که یک معیار و ضابطه از مرگ ارائه می‌دهد. در قانون تعریف مشخصی از مرگ نداریم، اینکه فرد چه زمانی مرده محسوب می‌شود و قتل چه زمانی اتفاق می‌افتد؛ چرا که قتل یک جرم مقید به نتیجه است و نیاز به مرگ قربانی دارد، اما در قانون ایران بیان نشده که این مرگ چه نوع مرگی است، مرگ مغزی است یا اگر فرد در کما باشد نیز میتوان مرگ در نظر گرفت یا حیات غیر مستقری که قانون به آن اشاره می‌کند، منظور چیست. عبارات متفاوتی از این جهت در قانون وجود دارد. در قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده و کسانی که مرگ مغزی آنها احراز شده، معیار مرگ مغزی است؛ بنابراین کسانی که مرگ مغزی آنها با تایید پزشک تایید می‌شود، اجازه پیوند اعضا به آنها داده می‌شود. عملاً کسی که مرگ مغزی می‌شود در حکم مرده است و بعد از آن نیز احکام مرده بر او حاکم می‌شود. حیات غیر مستقر که از لحاظ فقهی به آن توجه می‌شود و در ماده ۳۷۲ ق.م.ا نیز به آن اشاره شده است، از همان نوع مرگ محسوب می‌شود. از نظر فقها می‌توان حیات غیر مستقر را مانند مثالی دانست که قانون فرانسه به آن استناد می‌کند، فردی که در واقع مرده است اما در اثر شتاب ناشی از دویدن میدود اما متوقف می‌شود، آن لحظاتی که میدود و تکان می‌خورد، حیات غیر مستقر است، یعنی غیر قابل بازگشت است؛ بنابراین حیات غیر مستقر یک ضابطه برای مرگ محسوب می‌گردد، بنابراین اگر فردی به حیات غیرمستقر دیگری که قطعاً خواهد مرد، پایان دهد این فرد فقط دیه جنایت بر میت می‌پردازد. ماده ۳۷۱ ق.م.ا بیان می‌کند که اگر کسی جراحی به دیگری وارد کند و دومی به حیات او پایان دهد قاتل نفر دوم است حتی اگر جراحی اول برای مرگ شخص کفایت کند؛ مانند اینکه شخصی به شدت مورد ضرب و جرح قرار گیرد اما دومی او را بکشد (اذهاق نفس کند) حتی اگر میزان جراحی به حدی باشد که اگر فرد را در آن حالت جراحی باقی بگذارند، فرد بمیرد، قانون بیان

می‌کند که نفر دوم قاتل است، در حالی که در قانون فرانسه هر دو حالت یک حکم را دارد و آن هم شروع به قتل عمدی است. استناد آنها در رای دیوان اینگونه آمده است که این حالت خطرناک که در فرد مرتکب وجود دارد، یک حالت بالقوه است که با قصد کشتن این کار را انجام داده است. دیوان عالی اینگونه استناد کرده است که زنده نبودن بزه دیده عامل مستقلی از خشونت‌های ارتکاب یافته از ناحیه مرتکب است که باعث عدم ارتکاب جنایت شده اما حالت خطرناک بزه‌کار در نظر گرفته می‌شود؛ لذا عمل ارتكابی شروع به اجرا محسوب می‌شود. در بحث قتل عمدی تفاوت دیگری که قانون فرانسه با قانون ایران دارد این است که در قانون فرانسه قتل عمدی با ترک فعل تحقق پیدا نمی‌کند؛ به دلیل اینکه اثبات رابطه علیت در ترک فعل دشوار است. اگر فردی در یک مکانی حبس شود و در اثر گرسنگی فوت کند، این عمل قتل عمدی نخواهد بود بلکه طبق ماده ۶-۲۲۳ مقرر شده است که هر کس بدون آنکه برای او یا شخص ثالث اقدام به امری، خطری در بر داشته باشد بتواند بیدرنگ از ارتکاب یک جنایت یا جنحه جلوگیری کند اما عمداً خودداری نماید به ۵ سال حبس و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی محکوم خواهد شد. همچنان که در بعضی از آرای دیوان عالی فرانسه اثبات قتل در اثر شکنجه‌های روانی محرز تشخیص داده نشده است، اما در قانون ایران ترک فعل می‌تواند عنصر مادی جنایت را تشکیل دهد، علاوه بر آن در قانون ایران خودداری از کمک به افراد هم قابل مجازات است (نه تنها ترک فعل می‌تواند عنصر مادی جنایت باشد بلکه خودداری از کمک به افراد هم عنوان مجرمانه دارد). در این حالت اگر کسی دیگری را از آب و غذا محروم کند نهایتاً می‌تواند به ۵ سال حبس و ۷۵ هزار یورو جزای نقدی محکوم شود اما در قانون ایران این فعل می‌تواند عمدی باشد. ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند که ترک فعل می‌تواند عنصر مادی قتل عمدی باشد و برخی شرایط برای آن ذکر شده که عبارت است از: ۱. وظیفه قانونی و قراردادی برای تارک فعل باشد ۲. رابطه سببیت برقرار باشد (بین ترک فعل و نتیجه‌هایی که اتفاق افتاده است) ۳. تارک فعل توانایی انجام داشته باشد، در این حالت‌ها به راحتی می‌توان قتل عمدی را اثبات کرد. در قانون فرانسه شکنجه‌های روانی که هیچ اثری به صورت محسوس روی جسم باقی نمی‌گذارند می‌توانند بعضی مواقع به صورت ترک فعل باشند ولی این موارد به هیچ وجه نمی‌توانند موجب جنایت عمدی باشند. نکته مهم در عنصر مادی این است که در این موارد فاصله زمانی برای ارتکاب وقوع جنایت و نتیجه مهم است یا خیر؟ در گذشته در قانون فرانسه لازم بود که در فرجه زمانی مشخصی از ارتکاب جنایت و مرگ، نتیجه حاصل شود اما وجود فاصله زمانی در اصلاحات سال ۲۰۰۱ مهم تلقی نگردید و گفته شد اگر سال‌ها طول بکشد که فردی بعد از ارتکاب جنایت فوت کند در صورتی که بتوان نتیجه را به فرد قاتل منتسب کرد مرگ قابل اثبات است و می‌تواند عمدی باشد، همچون قانون ایران که در ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است که وجود فاصله زمانی اهمیت ندارد. اگر فردی بیماری کشنده‌ای را به دیگری منتقل کند ولی سال‌ها بعد، فرد فوت کند در صورتی که رابطه سببیت برقرار باشد، حتی می‌تواند عمل ارتكابی عمدی باشد.

با توجه به ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب سال ۱۳۵۴؛ در این ماده واحده برای سه دسته از افراد مجازات در نظر گرفته شده است: ۱. افرادی که دیگری را در معرض خطر جانی مشاهده کنند و بدون اینکه اقدام آنها خطری داشته باشد از کمک خودداری کنند؛ بنابراین یک مقرر عام برای همه شهروندان جامعه است و برای آن جزای نقدی یا حبس تا یک سال پیش بینی شده است. ۲. افرادی که به مناسبت شغل و وظیفه می‌توانند اقدام موثر داشته باشند اما از کمک خودداری می‌کنند؛ مثل پزشکان، پرستاران و کسانی که خدمات درمانی ارائه می‌دهند. مجازات جزای نقدی یا حبس تا دو سال پیش بینی شده است. ۳. مراکز درمانی اعم از خصوصی و دولتی که از پذیرش

بیمار امتناع کنند به حداکثر مجازات این ماده واحده محکوم خواهند شد. (در قانون انگلستان گفته شده که نمی‌توان یک وظیفه اخلاقی را به یک وظیفه قانونی تبدیل کرد نمی‌توان از هر فردی انتظار داشت که به دیگری کمک کند) این ماده واحده برای همه افراد پیش بینی شده است.

عنصر روانی قتل در حقوق فرانسه:

عنصر روانی با وجود قصد مرتکب یعنی قصد سلب حیات دیگری احراز می‌شود. اثبات عنصر روانی دشوار است و گاهی اوقات نمی‌توان پی به نیت افراد برد. در قانون فرانسه در برخی از موارد احراز عنصر روانی (عمدی) مفروض است، مثلاً:

۱. در دیوان عالی فرانسه زمانی که مباشر با سلاح خطرناک به قسمت حساس بدن بزه دیده جراحی را وارد کند، نشان دهنده عمدی بودن عمل است. (ایراد صدمه به قسمت حساس بدن بزه دیده با استفاده از سلاح؛ آگاه باشد که آن قسمت حساس است). ۲. مورد دیگر از مواردی که ملحق به قصد سلب حیات است؛ در صورتی که به سمت عده‌ای، مواد منفجره پرتاب کند یا شلیک کند. در این مورد دیگر عنصر روانی مفروض است. ۳. اگر فردی سنگی را روی پدال گاز کامیونی قرار دهد و آن را بدون راننده به سمت ماموران روانه کند قصد سلب حیات مفروض است و نیاز به اثبات ندارد؛ بنابراین برخی از افعال به حدی خطرناک هستند که نیازی به اثبات عنصر روانی ندارند.

در قانون فرانسه به مشابه قانون ایران انگیزه بی‌تاثیر است؛ یعنی فرد به هر انگیزه‌ای مرتکب سلب حیات دیگری به صورت عمدی شود، قتل عمدی خواهد بود. بحثی که در خصوص انگیزه به وجود می‌آید، قتل‌هایی است که در اثر ترحم اتفاق می‌افتد. آیا انگیزه شرافتمندانه بی‌تاثیر است یا خیر؟ در قانون فرانسه موردی یافت نشده است که فردی در اثر ترحم مرتکب قتل دیگری شود و با اتهام قتل عمد مواجه گردد و تنها در بعضی از موارد اگر شخصی مواد حیاتی را از بیمار منع و محروم کند، می‌تواند تحت عنوان خودداری از کمک به مصدوم که یک عنوان مجرمانه دارد قابل پیگرد باشد.

ماده ۶-۲۲۳ می‌تواند تحت این عنوان قرار بگیرد که مجازات ۵ سال حبس برای آن در نظر گرفته شده است، مثل زمانی که پرستار یا پزشک دارویی را به بیمار نمی‌دهد و در اثر عدم مصرف این داروها بیمار فوت کند می‌تواند تحت این عنوان قرار بگیرد اما قتل عمدی نیست.

اشتباه در عنصر روانی در حقوق فرانسه:

اگر در عنصر روانی اشتباه صورت بگیرد چه تاثیری می‌تواند داشته باشد:

۱. اشتباه موضوعی:

مثل اینکه فردی به قصد شکار تیراندازی کند ولی به فردی برخورد کند، در این مورد قتل از دایره عمدی خارج می‌شود و به غیر عمدی تغییر پیدا می‌کند. در قانون ایران، این مورد خطای محض است؛ چنانچه ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌نماید اگر فردی قصد فعل و قصد نتیجه (قصد سلب حیات از دیگری) را نداشته باشد و تیراندازی کند، خطای محض است. (در تبصره ماده بیان می‌کند: مگر اینکه فرد پیش بینی کند این اقدامش فعل نوعاً کشنده است که در اینجا خطای محض نیست و عمدی می‌باشد. مثل زمانی که فرد در جایی شلوغ به قصد شکار تیراندازی می‌کند، در اینجا فعل نوعاً کشنده است و احتمال این وجود دارد که تیر به انسان برخورد کند).

۲. اشتباه در هویت:

یعنی اگر مرتکب در هویت مقتول دچار اشتباه شود، این امر تاثیری در عنوان قتل ندارد و قتل عمدی است. اشتباه در هویت در قانون فرانسه پذیرفته نشده است همچون قانون ایران که برخلاف گذشته رویه کنونی اینگونه است که اگر فردی

در هویت مجنی علیه دچار اشتباه شود، به اشتباه فردی را بکشد و بعداً هویت واقعی فرد مشخص شود این امر تاثیری در عنوان قتل عمدی ندارد. (برای فردی که کشته است قتل عمدی است مگر اینکه در باب ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد و به اعتقاد مهدورالدم بودن، فرد را کشته باشد و اگر بتواند اعتقاد خود را ثابت کند دیگر عمدی نخواهد بود و شبهه عمدی است و اگر فرد کشته شده واقعاً مهدورالدم باشد مطابق ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قصاص و دیه ندارد و در برخی از موارد تعزیر نیز ندارد).

۳. اشتباه در سوء نیت معین و نامعین:

یعنی زمانی که فردی قصدش افراد معین نیست بلکه این عمل را نسبت به افراد نامشخصی انجام می‌دهد در این حالت باز هم عمل او عمدی خواهد بود؛ مثل زمانی که به سمت عده‌ای تیراندازی می‌کند بدون اینکه برای شخص مهم باشد چه کسی کشته می‌شود. در قانون ایران در بند ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی نیز مهم نیست چه کسی کشته می‌شود بلکه مهم فعل است که عملاً عده‌ای را در معرض مرگ قرار می‌دهد؛ مانند اینکه فردی بمب گذاری می‌کند و عده‌ای کشته می‌شوند. در قانون فرانسه نیز همچون قانون ایران فعل عمدی است.

۴. اشتباه در شخص:

به معنای اینکه قصد، کشتن شخص الف است ولی در اثر عدم مهارت به فرد ب برخورد می‌کند و تنها این حالت (عدم مهارت) در قانون فرانسه پذیرفته شده است. در قانون ایران یکی از مصادیق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی، عدم مهارت است که در قانون فرانسه به آن اشاره شده است اما قانون ایران علاوه بر عدم مهارت به عدم دقت، عدم رعایت قوانین، مسامحه، غفلت یا هر چیز دیگری که در دایره تقصیر قرار می‌گیرد و باعث ارتکاب جنایت نسبت به شخصی می‌شود، اشاره می‌کند و این فعل شبهه عمدی است.

کیفیات مشدده قتل در حقوق فرانسه:

۱. قتل عمدی با سبق تصمیم اتفاق بیفتد یعنی فردی یا از قبل تصمیم گرفته باشد که مرتکب قتل دیگری شود یا کیفیات پرونده به نحوی باشد که صرفاً بر اساس خشم و عصبانیت و وقوع یکباره عمل نباشد. این یکی از کیفیاتی است که موجب می‌شود مجازات قتل را از ۳۰ سال به حبس ابد افزایش دهد. (قتل در اثر احساسات و خشم یکباره باشد با سبق تصمیم نخواهد بود).

۲. کیفیاتی که مربوط به شخصیت بزه دیده یا کیفیات دیگر که مربوط به جرم ارتكابی است؛ مانند ارتكاب قتل افراد زیر ۱۵ سال، ارتكاب قتل پدر و مادر، پدرخوانده و مادرخوانده یا به صورت کلی سرپرستان فرد.

۳. ارتكاب قتل نسبت به افراد آسیب پذیر یا از لحاظ جسمی یا از لحاظ روانی (ذهنی: یعنی کسانی که به راحتی تحت تاثیر قرار می‌گیرند).

۴. ارتكاب قتل نسبت به افرادی که در دستگاه عدالت کیفری هستند همچون قاضی، هیئت منصفه، وکیل، پلیس، شاهد، بزه دیده، زندانبان؛ ارتكاب قتل این افراد موجب حبس ابد است.

مسموم کردن:

این جرم که در قانون فرانسه به آن اشاره شده است بیشتر توسط آشنایان، دوستان و اقوام اتفاق می‌افتد. در قانون فرانسه در مورد اینکه مسموم کردن باید یک عنوان مجرمانه خاص باشد یا ملحق به قتل عمدی شود، تفاوت وجود دارد. در زمان تصویب قانون ۱۹۹۴، نمایندگان دولت معتقد بودند که مسموم کردن باید عنوان مجزا داشته باشد، چرا که برخی از موارد

مثل حوادثی که در صنایع اتفاق می‌افتد یا مسموم کردن افراد با مواد کشنده چون تبغات گسترده دارد و ممکن است با مواد مختلف نیز اتفاق بیفتد باید عنوان مجزایی داشته باشد، این درست است که در نهایت مرگ فرد را به همراه دارد ولی نمی‌تواند در دایره قتل عمدی قرار بگیرد و باید عنوان خاصی داشته باشد. سناتورهای فرانسه معتقد بودند که نتیجه یکی است و هر دو باید قتل عمدی باشند اما نهایتاً آنچه به تصویب رسید این است که مسموم کردن عنوان مجزایی از قتل عمدی دارد.

عنصر قانونی مسموم کردن:

مسموم کردن در ماده ۵-۲۲۱ اینگونه مقرر شده است: آسیب رساندن به جان دیگری با استفاده از وارد کردن مواد کشنده یا استعمال مواد کشنده به بدن، جرم مسموم کردن است که موجب ۳۰ سال حبس جنایی است و در مواد بعدی بیان می‌کند اگر با کیفیت مشدد باشد، می‌تواند از موجبات حبس ابد باشد. آنچه در این ماده به آن اشاره شده و مهم می‌باشد عبارت است از: ۱. مواد سمی باید کشنده باشد (کشنده بودن مواد سمی). ۲. موادی که به آن اشاره شده است در قانون فرانسه می‌تواند منبع مختلف و متفاوتی داشته باشد؛ مواد کشنده می‌تواند حیوانی، گیاهی یا معدنی باشد. حیوانی مانند زهر حیوانی، گیاهی مانند گیاه شوکران و معدنی مانند آرسنیک. در قانون فرانسه هر نوع ماده جدیدی که فرآوری شده باشد و موجب مسمومیت فرد شود، می‌تواند در این ماده جای بگیرد؛ مثل فسفر، گوگرد و هر نوع ماده سمی دیگری.

عنصر مادی مسموم کردن: (شروع به جرم مسموم کردن)

۱. در قانون فرانسه بیان شده است که اگر فردی این مواد شیمیایی را استفاده کند اما در کیفیت آن دچار اشتباه شود، مثلاً کشنده نباشد، در این حالت بر اساس اصول کلی باید جرم محال باشد، اما استثنائاً در جرم مسموم کردن بیان شده؛ چون حالت خطرناک در این جرم وجود دارد، شروع به مسموم کردن خواهد بود و جرم محال نیست.

۲. از لحاظ کمیت مواد بیان شده، آنچه اهمیت دارد نتیجه نهایی است؛ پس اگر فردی در طی چند سال یا چند دفعه مواد مسموم را به یک نفر دهد و به مرور زمان باعث مرگ شود، باز هم جرم مسموم کردن خواهد بود. از لحاظ کمیت اگر میزان موادی که استفاده شده است فقط یک بار باشد و فرد را نکشد، شروع به مسموم کردن خواهد بود.

۳. حالت دیگری که شروع به جرم آن شناسایی شده، زمانی است که فردی، مواد مسموم را تهیه کرده و آن را در معرض استفاده شخص قرار می‌دهد، مثلاً غذایش را مسموم کرده و جلوی فرد گذاشته اما مشخص نیست که می‌خورد یا نه. حتی با عدم استعمال آن نیز شروع به جرم آن پیش بینی شده است. اینکه این مواد سمی به چه طریقی وارد بدن شود اهمیتی ندارد چون در ماده بیان شده است چه با استنشاق باشد چه با استفاده کردن یا وارد بدن کردن؛ بنابراین استنشاق مواد سمی، تزریق کردن، وارد بدن کردن، مانند مسموم کردن غذا، استفاده به عنوان دارو و یا حتی گزیدگی مثل گزیدگی ناشی از مار سمی. در قانون ایران هیچ جرمی تحت عنوان مسموم کردن وجود ندارد. اگر بحث قتل باشد، روش مهم نیست و مهم این است که فعل نوعاً کشنده باشد و منجر به مرگ هر فردی شود.

عنصر روانی مسموم کردن:

قصد مسموم کردن دیگری، یعنی فردی به قصد کشتن دیگری او را مسموم کرده باشد؛ پس اگر با سهل انگاری یا عدم دقت، مرتکب قتل دیگری شود، غیر عمدی خواهد بود؛ مانند خون‌های آلوده که از کشور فرانسه به کشورهای مختلف از جمله ایران و کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی وارد شد. این خون‌ها آلوده به ویروس ایدز بودند و بحث مسموم کردن مطرح گردید که آیا پزشکان و وزرای بهداشت از این موضوع اطلاع داشتند یا خیر، پرونده علیه پزشکان و

پرستاران مطرح شد که این خون‌های آلوده را بدون تست کردن در اختیار وزارتخانه قرار دادند. در شکایتی که صورت گرفت قانون فرانسه حتی آنها را تحت عنوان سهل‌انگاری نیز نپذیرفت. در پرونده دیگری فردی با اطلاع از اینکه خودش ایدز دارد با خانمی رابطه جنسی برقرار کرده و او را آلوده نموده است با عنوان جرم مسموم کردن محاکمه شد.

بحث و نتیجه‌گیری

قتل از جمله جرایمی است که از همان روزهای آغاز پیدایش انسان رخ داده است، امروزه نیز با پیشرفت تکنولوژی و تغییر سبک زندگی مردم، با شیوه‌های جدیدتر و پیچیده‌تر شاهد آن هستیم. در حقوق ایران با توجه به ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی جنایت به عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم می‌شود و در ارتباط با قتل عمد در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران باید فرد سوءنیت خاص یعنی قصد کشتن شخص خاصی را داشته باشد، اما در قانون ایران هر جا فعل نوعاً کشنده باشد یا نسبت به مجنی‌علیه خاص کشنده باشد، قتل عمدی خواهد بود. در حقوق ایران و فرانسه برای اینکه فعل، قتل عمدی باشد لازم است که بزه‌دیده زنده بوده باشد اما در قوانین فرانسه اگر جنایت بر شخصی اتفاق بیفتد که زنده نیست، شروع به قتل عمد خواهد بود در حالی که در قانون ایران چنین حالتی عنوان مجرمانه جنایت بر میت دارد. یکی از مهمترین تفاوت‌های موجود، مجازات قتل عمد در قوانین ایران و فرانسه می‌باشد که به دلیل عدم تناسب میان جرم و مجازات در قوانین فرانسه، از نقاط ضعف آن و برتری قوانین ایران نسبت به فرانسه در این زمینه می‌باشد. از سوی دیگر یکی از شباهت‌های قانون فرانسه با ایران آن است که در هر دو کشور انگیزه بی‌تاثیر است؛ یعنی فرد به هر انگیزه‌ای مرتکب سلب حیات دیگری به صورت عمدی شود، قتل عمدی خواهد بود. معمولاً انگیزه‌های قتل را در خیانت زوجین، اختلافات مالی-ملکی، مسائل ناموسی، نزاع و درگیری خیابانی، سرقت، قتل ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی و جنون‌آمیز و قتل قومی-قبیله‌ای می‌توان یافت و با استفاده از دانش جرم‌شناسی می‌توان در جهت ریشه‌یابی، پیشگیری و کاهش آمار قتل در جامعه گام‌های مناسبی برداشت.

منابع و مآخذ

۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح؛ آیات الأحکام، تهران، نوید، ۱۴۰۴ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۹۳.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۵۵، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۳. طباطبایی (علامه)، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، چاپ پنجم.
۴. فاضل مقداد، جمال‌الدین؛ کنز‌العرفان فی فقه القرآن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۶۷.
۵. فضل‌الله، سید محمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۷، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق، چاپ دوم.
۶. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه‌الله؛ فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، ج ۲، ص ۳۹۵، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق، چاپ دوم.
۷. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۹۳، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۸. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف، تهران، ج ۲، ص ۴۰۷، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ق، چاپ اول.
۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران، ج ۴، ص ۶۲، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش، چاپ اول.
۱۰. موسوعه الامام الخمينی، ج ۲۳، تحرير الوسیله، ج ۲، ص ۵۴۳، كتاب القصاص، القول فی الموجب، مسأله ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۹ ه ش.
۱۱. موسوعه الامام الخمينی، ج ۲۳، تحرير الوسیله، ج ۲، ص ۵۴۳، كتاب القصاص، القول فی الموجب، مسأله ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۹ ه ش.
۱۲. موسوعه الامام الخمينی، ج ۲۳، تحرير الوسیله، ج ۲، ص ۵۴۴، كتاب القصاص، القول فی الموجب، مسأله ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۹ ه ش.
۱۳. موسوعه الامام الخمينی، ج ۲۳، تحرير الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۸، كتاب الديات، القول فی موجبات الضمان، المبحث الاول فی المباشر، مسأله ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۹ ه ش.

Examining the realization of murder in Iranian criminal law and its comparison with French law

Kian Molani^{*1}

Abstract

By searching the Iranian criminal laws, it is not possible to obtain a specific definition of murder. In other words, there is no definition of the crime of murder in Iranian law and it is only mentioned in the form of four clauses in Article 290 of the Islamic Penal Code, but in French criminal laws, murder is defined as the intentional and unjust taking of the life of a human being by another human being. The Holy Quran extensively discusses murder and has dedicated many verses to it. In verse 178 of Surah Al-Baqarah, its rules are stated and the right of retaliation or pardon and payment of blood money is reserved for the relatives of the deceased. Imam Khomeini (RA) has also elaborated on the topic of murder in Tahrir al-Wasilah. Accordingly, and given the importance of the subject, the purpose of this research was to examine the realization of murder in Iranian criminal laws and its comparison with French law. The approach of this research is descriptive-analytical in the form of content analysis and is applied in nature, and the method of its conduct is library-documentary. The results obtained in this study indicated that the punishments determined in Iran and their proportionality to the type of crime can be considered as the strength and superiority of Iranian laws compared to France. Therefore, the greatest difference between the laws of the two countries is in the different types of murder and the punishments determined for them.

Keywords

Murder, Constituent Elements, Criminal Law, Comparative Study

1. Master of Law, Criminal and Criminology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Iran. (Corresponding Author: kianmolani@yahoo.com).